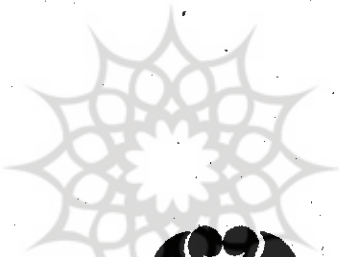


دکتر بهمن - آقائی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رژیم حقوقی دریای مازندران





پښتونستان د علوم او مطالعات فریښکي

پرتال جامع علوم انسانی



سوابق تاریخی

و موقعیت جغرافیائی، طبیعی و اقتصادی

دریاچه مازندران که بزرگترین دریاچه دنیا است فاقد راه آبی طبیعی به دریاهای آزاد جهان می باشد. این دریاچه فقط از کانالهای ایجاد شده از طریق رود ولگا به دریای سیاه متصل است. دریاچه مازندران از لحاظ حقوق بین الملل جزء آبهای بسته بشمار می رود و فقط کشتیهای دو کشور مجاور آن حق دریانوردی در آن را دارند. در بررسی حاضر ابتدا به شناسائی خصوصیات جغرافیائی، اقتصادی و تاریخی دریاچه مازندران می پردازیم و سپس رژیم حقوقی ویژه آن را با توجه به اسناد و قراردادهای موجود مورد مطالعه قرار می دهیم.

1. closed sea

دریاچه مازندران که به علت وسعت آن همواره دریای مازندران خوانده شده است در شمال سلسله جبال البرز قرار گرفته و در طول تاریخ اسامی متعددی داشته است. قدیمیترین نام آن «هیرکانا» بوده و بعداً اسامی دیگری چون آبسکون، دریای طبرستان، دریای قزوین، دریای دیلم، دریای گرگان، دریای ساری و دریای خزر^۲ به خود گرفته است. در حال حاضر رایج‌ترین نام آن در فارسی دریای مازندران است. اطلاق نام «کاسپین» در زبانهای اروپایی به دریای مازندران به خاطر قوم کاسپی بوده که مانند قوم خزر در کرانه‌های دریای مازندران ساکن بوده‌اند.^۳

۲. جواد نوشین: اوضاع تاریخی، سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی شهرستان چالوس، انتشارات طهوری، شماره ۸۰ از مجموعه زبان و فرهنگ ایران، تهران-۱۳۵۵، ص ۳.

۳. خزرها نیرومندترین اقوام شمال قفقاز بودند که در آن سوی دریای مازندران، در سرزمینهایی که امروزه در قلمرو جمهوریهای اتحاد شوروی است، می‌زیستند. این قوم همواره در معرض تهدید امپراتوریهای اطراف خود بودند و هرچند گاه به شهرهای ایران، ارمنستان و آذربایجان هجوم می‌بردند. خزرها در دوره حساسی از تاریخ خود برای جلوگیری از توسعه دایم تسلط مسلمانان و یا گسترش امپراتوری بیزانس (روم) دین یهود را انتخاب کردند. «آرتور گسترلر» در کتاب خزران می‌نویسد: «... در آغاز قرن هشتم، جهان به صورت دو قطبی درآمده و در میان دو ابرقدرت به نام مسیحیت و اسلام تقسیم شده بود. تعالیم ایدئولوژیک آنها با سیاستی مبتنی بر روشهای کلاسیک تبلیغات و خرابکاری و فتوحات نظامی تلفیق گشته بود. امپراتوری خزر در حکم نیروی سومی بود که دوستی و دشمنی او برای هر دو طرف یک اندازه اهمیت داشت؛ لیکن این نیرو نمی‌توانست در صورت قبول مسیحیت یا اسلام، استقلال خود را حفظ کند، زیرا قبول هر یک از ایندو، مستلزم سلطه امپراتور روم و یا خلیفه بغداد می‌بود.» (خزران، ص ۷۰).

در جای دیگری گسترلر از قول «مسعودی» نویسنده کتاب مروج الذهب می‌نویسد: «پادشاه خزر به روزگار خلافت هارون الرشید به دین یهود گروید و گروهی از یهودیان نیز از بلاد اسلام و بلاد روم به آنها پیوستند...» (ص ۷۳). آرتور گسترلر در اثر تحقیقی خود نتیجه گرفته است که قوم خزر پس از اینکه بتدریج از موطن اصلی خود پراکنده می‌شود، به سوی اروپا و کشورهای دیگر روانه می‌گردد. به نظر وی قسمت عمده یهودیان جهان از تبار ترک خزری هستند و نه اصل سامی و اعتقاد دایر بر وجود نژادی یهودی از بازماندگان اسباط بنی اسرائیل مردود و بی اعتبار است. برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به: آرتور گسترلر: خزران، ترجمه محمدعلی موحد، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، تهران-۱۳۶۱.

بستگی ایرانیان به دریای مازندران دارای سابقهٔ چند هزار ساله است و سرسبزترین استانهای ایران یعنی مازندران و گیلان در کنار آن قرار گرفته است.

از زمانهای قدیم بازرگانان و دریانوردان ایرانی طول و عرض دریای مازندران را همواره با کشتیهای بادبانی خود می‌پیمودند و به حمل کالا و مسافر از کرانه‌ای به کرانهٔ دیگر اشتغال داشتند. در کتاب مسالک الممالک، تألیف ابن اسحاق ابراهیم بن محمد فارسی اصطخری که در سال ۳۵۰ ق. تألیف شده، آمده است: «... بازرگانان مسلمان بوسیلهٔ کشتی از این دریا (دریای مازندران) به زمینهای اقوام خزر و اران و جیل و طبرستان تردد می‌کنند.»^۴

دریاچهٔ مازندران از نظر وسعت پنج برابر دریاچهٔ سوپریور که دومین دریاچهٔ بزرگ دنیا است و در امریکای شمالی قرار گرفته، می‌باشد. شواهدی در دست است که در دوره‌های بین یخچالی گرهٔ زمین که آخرین آن با زمان حاضر تقریباً یازده هزار سال فاصله دارد، بین دریای مازندران و دریای سیاه که به آبهای آزاد راه دارد از طریق درهٔ ماینچ در قفقاز ارتباط برقرار بوده است. هم‌اکنون بلندترین نقطهٔ درهٔ ماینچ از سطح دریای آزاد ۲۶ متر است. سطح آبی که سبب ارتباط دریای مازندران با دریای سیاه می‌شده حداقل ده متر از بلندترین نقطهٔ درهٔ ماینچ بالاتر بوده است. اکنون سطح دریای مازندران از سطح آبهای آزاد ۲۸ متر پائین‌تر است و بنابراین می‌توان گفت که سطح آن در دورهٔ پلیوستوس، ۶۴ متر بالاتر از سطح کنونی بوده است. دریای مازندران در آغاز، دریاچه‌ای با آب شیرین بوده است، ولی رودهایی که به آن می‌ریزند املاح معدنی را با خود به درون دریا حمل کرده و بتدریج شوری آب آن تا میزان کنونی رسیده است.

در دریای مازندران یک جریان چرخشی برخلاف جهت عقربهٔ ساعت وجود دارد. این جریان به دلایل متعددی بوجود آمده است که

۴. احمد بریمانی: دریای مازندران، انتشارات دانشگاه تهران، شمارهٔ ۱۵۲۶، تهران - ۱۳۵۵،

مهمترین آنها تبخیر شدید آب در نواحی شرقی و وزش بادهای شمال غربی به جنوب شرقی می باشد. این جریان سبب شده است که تقریباً همه رودهای سواحل جنوبی هنگام ریزش به دریا انحراف به راست داشته باشند و غیر از سفیدرود هیچیک از رودهای سواحل ایران در دریای مازندران قادر به دلتاسازی نبوده است؛ زیرا محمولات آنها مغلوب اثرات امواج و جریان چرخشی آب دریاچه می گردد.

دریای مازندران دارای جزایر بسیاری است که تقریباً همه آنها فلاتی و شنی و محل مناسبی برای زندگی مرغان دریائی هستند. معروفترین جزایر نزدیک به ایران، آبسکون و آشوراده است. جزیره آبسکون به روایت تاریخ نویسان محل درگذشت سلطان محمد خوارزمشاه (۶۱۷ ق.)^۵ بوده است. شبه جزیره میانکاله در نزدیک بندر ترکمن و شبه جزیره غازیان در بندرانزلی از جمله شبه جزایر دریای مازندران در سواحل ایران هستند.

درازای دریای مازندران ۱۲۰۵ تا ۱۲۸۰ کیلومتر و پهنای آن ۲۰۲ تا ۵۵۴ کیلومتر است. عریض ترین نقطه آن کمی بالاتر از سواحل جنوبی در ایران است. وسعت دریای مازندران بالغ بر ۲۴۴، ۴۶۳ کیلومتر مربع می باشد. مجموع سواحل دریای مازندران ۶۳۷۹ کیلومتر است که ۶۴۰ کیلومتر آن به خاک ایران اتصال دارد. گنجایش آب دریای مازندران ۷۹۰ هزار کیلومتر مکعب است. ژرفای آب بطور متوسط ۱۸۰ متر و عمق گودترین نقطه آن ۹۸۰ متر است که نزدیک سواحل ایران قرار دارد. دریای مازندران از لحاظ ژرفا به سه منطقه مشخص تقسیم می شود:

- بخش شمالی که کمترین عمق را دارد و بیشتر از ۵۰ متر نیست.
- بخش مرکزی که گودی آن در برخی نقاط تا ۸۹۰ متر می رسد. این بخش بوسیله یک سلسله برجستگیهای زیر دریائی که در امتداد کوههای قفقاز واقع در شوروی و کوههای کپه داغ واقع در شمال

۵. بعدها این جزیره را آب فراگرفته و اثری از آن باقی نمانده است.

* شرقی ایران است از بخش جنوبی جدا می شود. دو انتهای این برجستگیهای زیر دریائی به صورت شبه جزایر آبشوران و چله کن ظاهر شده اند.

□ بخش جنوبی که گودترین نقاط دریای مازندران است و عمق آن تا ۹۸۰ متر می رسد.

مسدود بودن دریای مازندران به نوسانهای قابل ملاحظه ای طی چندین سال در سطح آب منجر شده است. در نتیجه این تغییرات سطح آب از سال ۱۹۳۰ تا سال ۱۹۴۱ بسرعت پائین آمده و از سال ۱۹۵۲ تا سال ۱۹۷۰ با آرامی نسبی کاهش یافته است. این امر به خاطر تغییرات طبیعی و نیز فعالیتهای بهره برداری از دریای مازندران و رودهایی که به آن می ریزند، رخ داده است.^۶

در مشرق دریای مازندران، خلیج کم عمق و بسیار شور قره بغاز قرار دارد. از آنجائی که هیچ رودی به این خلیج نمی ریزد و سطح تبخیر آن بسیار بالا است، همیشه سطح آب آن از دریای مازندران پائین تر است و آب همواره به سوی خلیج قره بغاز در جریان می باشد. امروزه سطح خلیج قره بغاز حدود چهار متر از سطح دریای مازندران پائین تر است. در گذشته وضعیت این خلیج تأثیر زیادی در امر تقلیل سطح آب دریای مازندران داشته است و مقامات روسی اقداماتی جهت تنظیم سطح آب دریای مازندران با مسدود کردن دهانه خلیج قره بغاز بعمل آورده اند.^۷

ترقی و توسعه اقتصادی، مسائل متعددی را برای حفظ شرایط آب شناسی (هیدرولوژیک) دریای مازندران مطرح نموده است.

۶. درباره مسائل مربوط به تغییر سطح آب دریای مازندران رک. به:

فرهنگ شیانی: مسائل و مشکلات و کم و زیاد شدن سطح آب دریای خزر، انتشارات وزارت نیرو، تهران - بهمن ماه ۱۳۲۴. همچنین:

G. E. HOLLIS: «The falling levels of the Caspian and Aral seas»

Geographical journal, No - 144, Mar. 1978, p. 62 - 80.

FRED PEARCE: «Fall and Rise of the Caspian sea», New Scientist, 6Dec. 1984. London.

۷. مسائل و مشکلات و کم و زیاد شدن سطح آب دریای خزر، ص ۲۰.

دانشمندان عقیده دارند که اگر برای جلوگیری از آلودگی دریای مازندران چاره‌ای اندیشیده نشود، امکان دارد دریای مازندران به مردابی مبتدل گردد. این دریا در حال حاضر از لحاظ منابع ماهی و نیز ذخایر معدنی و نفتی حائز اهمیت بسزائی است. ماهیهای دریای مازندران عبارتند از: استروژن (ازون برون)، آزاد، سفید، اردک ماهی، اس ماهی، کپور، سیم، تاس ماهی، کفال، ماش، نیل ماهی، زردک، مارماهی، سوف ماهی و اسپلی.

دریای مازندران از جهت مبادلات نیز امکانات وسیعی در اختیار دو کشور ایران و شوروی قرار داده است. از طریق دریای مازندران نه تنها می‌توان به شیوه‌ای اقتصادی اقدام به حمل محمولات ایران و شوروی نمود بلکه حمل ترانزیتی کالاهای سایر کشورها می‌تواند منشأ درآمد قابل ملاحظه‌ای باشد. هم‌اکنون طرحهایی برای ایجاد خط کشتیرانی مشترک دو کشور وجود دارد.



وضعیت حقوقی

دریای مازندران دارای وضعیت ویژه حقوقی منحصر به خود^۱ است. نظام حقوقی دریای مازندران بوسیله قراردادهای و عهدنامه‌های منعقد شده بین دو دولت ساحلی آن یعنی ایران و شوروی تعیین شده است. مقررات جاری حقوق بین‌الملل عمومی درباره دریای آزاد و مناطق دریائی دولتهای جهان شامل دریای مازندران نمی‌گردد. در کنوانسیونهای بین‌المللی مربوط به حقوق دریاها نیز وجود رژیمهای خاص تاریخی درباره مناطق دریائی به رسمیت شناخته شده است. بدین ترتیب، مسائلی نظیر دریای سرزمینی و منطقه نظارت، منطقه انحصاری

8. sui generis

اقتصادی، فلات قاره (به مفهوم حقوقی آن) و دریای آزاد در دریای مازندران مطرح نیست. در قراردادها و عهدنامه‌های منعقد بین دو دولت نیز اشاره‌ای به اینگونه اصطلاحات حقوق دریاهای نشده است.

۱. وضعیت حقوقی دریاچه‌های مشابه

وضعیت حقوقی دریاچه «لادوگا» بین فنلاند و شوروی که طی معاهده ۱۹۲۰ «دورپات»^۹ تعیین شده است مشابهت زیادی به رژیم حقوقی دریای مازندران دارد. در این دریاچه بموجب معاهده فوق‌الذکر حضور کشتیهای دول ثالث منع شده و در عین حال مرز مشخصی برای دو دولت ساحلی آن تعیین نگردیده است. بعد از تحولاتی که در نواحی مرزی شوروی و فنلاند رخ داد، اینک دریاچه مزبور تماماً در خاک شوروی است.

نگاهی به وضعیت حقوقی دریاچه‌های پنجگانه بین ایالات متحده و کانادا نیز می‌تواند از لحاظ مقایسه‌ای جالب توجه باشد. وضعیت حقوقی دریاچه‌های مزبور از جهت حدود مرزی و رفت و آمد کشتیها و هواپیماها و غیره بر اساس معاهدات موجود تعیین شده است. ماده ۱۱ از عهدنامه «وبستر آشبورتون»^{۱۰} منعقد در اوت ۱۸۴۲ درباره دریاچه‌های «سوپریور» و «وودز» مقرر می‌دارد که حمل و نقل آبی جهت اتباع دو کشور آزاد و بلا مانع است. در قرارداد آبهای سرحدی بین دو دولت که در سال ۱۹۰۹ منعقد گردیده^{۱۱} و مهمترین سند مربوط به دریاچه‌های پنجگانه می‌باشد، آزادی کشتیرانی در این دریاچه‌ها تصریح شده است. ماده ۱ از قرارداد اخیرالذکر مقرر می‌دارد: «دول متعاقد موافقت می‌کنند

9. League of Nations Treaty Series, Vol. 18/217.

10. Treaty between the United States of America and Great Britain. 9 Aug. 1842 Boudary, Slave Trade and Extradition, (Webster Ashburton Treaty), Treaty Series, 119, US. Printing Office, Washington 1942.

11. Treaty Between U.S.A. and Great Britain Relating to Boundary Waters and questions arising between United States of America and Canada, 1909.

که کشتیرانی در تمامی آبهای مرزی برای همیشه آزاد بوده و بمنظورهای مسافرت برای اهالی و کشتیرانی و قایقرانی دو طرف بالتسویه آزاد خواهد بود...».

۲. قراردادهای موجود درباره وضعیت حقوقی دریای مازندران

وضعیت حقوقی دریای مازندران نیز هه‌انگونه که گفته شد براساس قراردادها و معاهدات بین ایران و شوروی تعیین شده است. قرارداد ۱۹۲۱ مودت بین ایران و شوروی^{۱۲} حقوقی را که بموجب عهدنامه ۱۸۲۸ ترکمانچای به صورت تحمیلی از کشتیهای ایرانی در دریای مازندران سلب کرده بودند مجدداً اعاده نمود. بموجب فصل یازدهم قرارداد ۱۹۲۱ طرفین حق دارند در کلیه نقاط دریای مازندران بالتسویه به کشتیرانی آزاد بپردازند^{۱۳} و هیچگونه محدودیتی برای حرکت

۱۲. فصول پنجم و ششم این قرارداد که مربوط به مسئله امکان تهدید رژیم سوسیالیستی شوروی توسط روسهای سفید بوده، از جانب دولت ایران بلاموضوع و کان لم یکن اعلام شده است. دولت ایران پیش از انقلاب اسلامی نیز معتقد به بلاموضوع بودن فصول پنجم و ششم عهدنامه ۱۹۲۱ بود؛ لیکن پس از انقلاب اسلامی، شورای انقلاب در ۱۹/۸/۱۳۵۸ صریحاً مسئله کان کم یکن بودن فصول مزبور را تصویب کرد. این مطلب در مرداد ۱۳۵۹ نیز طی نامه‌ای توسط وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران ضمن نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل اعلام گردید و به صورت سند زیر در سازمان ملل ضبط شده است:

NV/80/65, UN Lib., Aug 25, 1980, UN/SA Collection.

همچنین در ۲۰/۸/۱۳۶۳ آقای مجتبی میرمهدی معاون حقوقی وزارت خارجه ایران در مصاحبه‌ای دلایل ایران را برای بلاموضوع بودن فصول فوق‌الذکر که بر اساس اصل تغییر اوضاع و احوال (Rebus sic stantibus) و نیز مغایرت آن با اصول حقوق بین‌الملل بود، تشریح نمود (روزنامه اطلاعات ۲۰/۸/۶۳).

۱۳. متن کامل فصل یازدهم عهدنامه مودت ۱۹۲۱ بین ایران و روسیه (اتحاد شوروی) مورخ هشتم حوت ۱۲۹۹ شمسی مطابق ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ میلادی به شرح زیر است:

«فصل یازدهم: نظریه اینکه مطابق اصول بیان شده در فصل هشتم این عهدنامه، عهدنامه منعقد در دهم فورال ۱۸۲۸ مابین ایران و روسیه در ترکمانچای نیز که فصل هشتم آن حق داشتن بحریه را در بحر خزر از ایران سلب نموده بود از درجه اعتبار ساقط است، لهذا طرفین معظمین متعاهدین رضایت می‌دهند که از زمان امضای این معاهده هر دو بالتسویه

کشتیهای طرفین در دریای مازندران وجود ندارد.

مواد ۱۲ و ۱۳ از عهدنامه ۱۹۴۰ بین ایران و شوروی که قرارداد بازرگانی و بحریمائی نامیده می شود برحق کشتیرانی آزاد طرفین در کلیه نقاط دریای مازندران تأکید نموده و این مسئله را با جزئیات بیشتری مطرح کرده است. در این قرارداد پیش بینی شده که با کشتیهای هر یک از طرفین در بنادر طرف دیگر از هر حیث مثل کشتیهای ملی رفتار می شود (بندهای ۱ و ۵ از ماده ۱۲).

۳. رژیم حقوقی کشتیرانی در دریای خزر

متأسفانه برخی منابع از روی عمد یا سهو، نقاط بین دو مرز زمینی از بندر آستارا تا بندر حسینقلی را در مرز ایران و شوروی بوسیله خط مستقیمی، به یکدیگر متصل کرده و آن را خط فرضی مرز دو کشور در دریای مازندران تلقی نموده اند.^{۱۴} این برداشت به هیچوجه صحیح نیست و در دریای مازندران مرزی بین دو کشور تعیین نگردیده است.

در نامه های ضمیمه عهدنامه ۱۹۴۰، دریای مازندران بکرات «دریای ایران و شوروی» خوانده شده است. در این نامه ها طرفین همچنین متعهد می شوند «اتباع کشورهای ثالث که در کشتیهای طرفین متعاهدین و در بندرهای واقع در دریای مازندران مشغول خدمت هستند، از خدمت و توقف خود در کشتیها و بنادر برای مقاصدی که خارج از حدود وظایف خدمتی محوله به آنها باشد استفاده ننمایند.»

تنها شرطی که برای کشتیرانی وجود دارد در باب دول ثالث است و طرفین حق ندارند که اجازه کشتیرانی در دریای مازندران را به

→ حق کشتیرانی آزاد در زیر بیرقهای خود در بحر خزر داشته باشند.»

(به نقل از مجموعه فرادادهای، جزوه شماره ۲: «قراردادهای ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی»، وزارت امور خارجه، تهران - ۱۳۳۸، ص ۸۸).

۲۴. برای نمونه رک. به کتاب راهنمای حقوق بین الملل مربوط به بحریه نظامی، چاپ مسکو، ۱۹۶۶، فصل پنجم که تحت عنوان «نظام حقوقی دریای خزر و نظام آبهای سطح دریای خزر» مرتکب همین اشتباه شده است.

دولت ثالثی بدهند. در این زمینه فصل سیزدهم از قرارداد بازرگانی و بحریمائی مقرر می نماید:

« طرفین متعاهدتین بر طبق اصولی که در عهدنامه مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ بین ایران و جمهوری متحده سوسیالیستی روسیه اعلام گردیده است موافقت دارند که در تمام دریای مازندران کشتیهائی بجز کشتیهای متعلق به ایران یا به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی یا متعلق به اتباع و دستگاههای بازرگانی و حمل و نقل کشوری یکی از طرفین متعاهدتین که زیر پرچم ایران یا پرچم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سیر می نمایند نمی توانند وجود داشته باشند.»

۴. رژیم حقوقی ماهیگیری در دریای مازندران

در سال ۱۹۲۷ قراردادی برای ماهیگیری بین ایران و شوروی در دریای مازندران امضاء شد که در آن توافقهائی برای ایجاد یک شرکت مشترک ماهیگیری و دادن امتیاز ویژه ای بدان که ۲۵ سال اعتبار داشت، پیش بینی شده بود. برخی منابع نگران بودند که با انعقاد این قرارداد روسها بتوانند سلطه جدیدی بر دریای مازندران کسب نمایند؛ ولی در سال ۱۹۵۳ ایران این قرارداد را تمذید نکرد. برخی هنوز معتقد بودند که دولت ایران نمی باید تا ۲۵ سال امتیاز شیلات را به دولت ثالثی بدهد که البته این مدت هم حتی اگر فرض وجود آن را در نظر بگیریم، تمام شده است.

درباره رژیم ماهیگیری در دریای مازندران قرارداد ۱۹۴۰ بازرگانی و بحریمائی دارای مقررات بسیار واضح و روشنی است و صرف نظر از یک محدوده ده مایلی از نوار ساحلی که بطور انحصاری از

15, WILLIAM R. BUTLER «The Soviet Union and the Law of the Sea», John Hopkins press, 1971, p. 101.

در کتاب فوق به منبع روسی زیر استناد شده است:

BAKHOV: Voенno - morskoi spravochnik, p. 258, BARABOLIA: Voенno - morskoi spravochnik, p. 325.

لحاظ ماهیگیری به طرفین تعلق دارد، صید ماهی در سرتاسر مابقی دریای مازندران برای هر دو کشور آزاد اعلام شده است. بند ۴ ماده ۱۲ قرارداد ۱۹۴۰ مقرر می نماید:

«۴. صرف نظر از مقررات فوق هر یک از طرفین متعاهدین، ماهیگیری را در آبهای ساحلی خود تا حد ده مایل دریائی به کشتیهای خود اختصاص داده و این حق را برای خود محفوظ می دارد که واردات ماهیهای صید شده از طرف کارکنان کشتیهای را که زیر پرچم او سیر می نمایند از تخفیفات و مزایای خاصی بهره مند سازد.»^{۱۶}

۵. کشتیهای جنگی

مقررات عهدنامه های فوق الذکر هیچگونه تمایزی بین کشتیهای تجاری و جنگی قائل نشده است و بدین ترتیب به نظر می رسد انواع ناوهای جنگی طرفین برای کشتیرانی در دریای مازندران آزاد هستند؛ منتهی همانطور که حقوقدانان روسی گفته اند، لازم است اجازه دولت طرف مقابل را برای این منظور کسب نمایند. توضیح اینکه حقوقدانان روسی معتقدند گرچه مقررات برای کشتیهای جنگی پیش بینی نشده است، ولی «اصول عمومی پیمانها و منافع مشترک در امنیت ملی ایجاب می نماید که کشتیهای جنگی یک طرف قبلاً برای ورود به آبهای طرف دیگر اجازه کسب کنند.»^{۱۷}

۶. پرواز بر فراز دریای مازندران

پرواز بر فراز دریای مازندران و نیز مسئله منابع بستر آن از جمله مواردی است که در قراردادهای بین دو کشور بطور صریح اشاره ای به آنها نشده است. این امر تا حدودی ناشی از شرایط زمانی انعقاد قراردادها و از سوی دیگر به خاطر آگاهی بر روح کلی مشاع و مشترک

۱۶. مجموعه قراردادهای، ص ۲۷۸.

17. WILLIAM R. BUTTER: «The Soviet Union and...» Ibid., p. 103.

بودن دریای مازندران است. با توجه به روح کلی عهدنامه‌های مربوط به دریای مازندران و نیز با تسری بخشیدن اصولی که درباره کشتیرانی و ماهیگیری در دریای مازندران پیش‌بینی شده است، می‌توان نتیجه گرفت که پرواز برفراز این دریا، چه از لحاظ هواپیماهای تجاری و چه هواپیماهای نظامی برای طرفین آزاد است. تنها محدودیت موجود را می‌توان ناشی از ماده ۱۳ قرارداد بازرگانی و بحریسمائی مورخ ۱۹۴۰ دانست که دول ثالث را از حق کشتیرانی در دریای مازندران محروم می‌نماید. بدین ترتیب پرواز برفراز دریای مازندران نیز منحصر به دولتها و اتباع طرفین است و بالطبع اجازه پرواز برفراز خاک دو کشور شامل پرواز برفراز دریای مازندران نمی‌شود.

در موافقتنامه هوائی مورخ ۱۹۶۴ بین ایران و شوروی اشاره‌ای به مسئله پرواز برفراز دریای مازندران نشده است^{۱۸}؛ لیکن برای تعیین محدوده منطقه اطلاعات پرواز^{۱۹} از خط فرضی آستارا به بندر حسینقلی استفاده شده است و خط مستقیم محل تلاقی مرز خاکی ایران و شوروی در طرفین دریای مازندران را به یکدیگر وصل می‌کند. البته چنین امری هیچگونه تأثیری بر حاکمیت دو کشور بر دریای مازندران ندارد. منطقه اطلاعات پروازی اثری در افراز مرز ندارد و بر اساس مسائل فنی مربوط به ایمنی هوانوردی و امکانات فنی کشورها از لحاظ کنترل پرواز هواپیماها تعیین می‌گردد. برخی کشورها به علت فقدان امکانات فنی و یا سهولت در امر هوانوردی، محدوده این منطقه را از داخل قلمرو خود به کشور دیگری واگذار نموده‌اند. برای نمونه مرکز کنترل پرواز بحرین، پرواز برفراز کشورهای کویت، قطر و امارات عربی متحده را کنترل می‌نماید.

۱۸ حقوقدانان روسی درباره پرواز هواپیماهای جنگی نیز همان نظر مربوط به کشتیهای جنگی را دارند که ذکر شد.

19. flight information region.

۷. مبارزه با آلودگی دریای مازندران

نکته دیگری که باید متذکر شد مربوط به مسائل ناشی از آلودگی دریای مازندران و بواقفهای دو کشور ساحلی برای جلوگیری و تقلیل آلودگی آب آن است. استفاده از سموم مختلف و نیز برنامه‌های توسعه، بویژه عملیات حفاری و ایجاد سگوه‌های نفتی در سواحل روسی دریای مازندران باعث بوجود آمدن مسئله آلودگی آن گردیده است.^{۲۰}

بر اساس موافقتنامه همکاری علمی و فنی و فرهنگی مورخ ۲۵ فوریه ۱۹۷۱ (۱۹۵۰)، ایران و شوروی در سال ۱۳۵۱ تفاهم‌نامه‌ای امضاء کردند. بند ۲ این تفاهم‌نامه تصریح نموده که طرفین بررسی زیست محیطی دریای مازندران را ادامه خواهند داد و برای این منظور در زمینه مبادله اطلاعات و اسناد فنی و هیستهای علمی و تخصصی همکاری خواهند کرد. در عین حال در سال ۱۹۷۳ توافق شده که یک گروه کار دائمی برای بررسی و پیگیری اقدامات مربوط به جلوگیری از آلودگی دریای مازندران تشکیل شود. گروه کار مزبور هفتمین جلسه خود را در سال ۱۳۶۲ در تهران برگزار نمود و متعاقباً یادداشت تفاهم جدیدی بین دو کشور به امضاء رسید. در اسناد مربوط به اجلاسهای گروه کار دائمی جلوگیری از آلودگی دریای مازندران، در برخی موارد از عباراتی نظیر «قسمت جنوبی دریای مازندران» استفاده شده است که بدون

۲۰. استخراج نفت توسط شوروی از دریای مازندران در سال ۱۹۷۶ معادل ۲۲۰ هزار بشکه در روز بوده و بیشترین فعالیت در حوالی باکو صورت گرفته است؛ در حالیکه ایران تاکنون فقط با عملیات لرزه‌نگاری و اکتشافی به وجود منابع غنی نفت و گاز در دریای مازندران پی برده است. عملیات برداشت نفت و گاز توسط شوروی از این منطقه بین ۱۵ تا ۲۰ سال قدمت دارد. مقامات ایرانی مصمم به بهره‌برداری از منابع دریای مازندران هستند و مذاکرات ایران و شوروی در این مورد موجب امضای یادداشتی شده که براساس آن طرف شوروی موافقت اصولی خود را نسبت به همکاری در امر عملیات حفاری جهت بهره‌برداری از منابع نفت و گاز اعلام نموده است (به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۶۵/۶/۵، ص ۷: «تجزیه‌پیرامون بهره‌برداری از منابع نفت و گاز دریای خزر»).

تردید نمی‌تواند تأثیری در رژیم حقوقی کلی دریای مذکور که حالت مشاع و مشترک دارد داشته باشد.



نتیجه‌گیری

منابع بستر دریای مازندران با توجه به همین امر به دولت‌های ایران و شوروی تعلق دارد و طرفین بالتسویه می‌توانند از آنها بهره‌برداری نمایند. البته برای تعیین جزئیات اینگونه فعالیتها احتیاج به هماهنگی وجود دارد.

در یکی از کتب راهنمای حقوق بین‌الملل که در شوروی منتشر شده است صریحاً اشاره گردیده که منابع فلات قاره دریای مذکور متعلق به دولت‌های ایران و شوروی است. این مطلب را ویلیام باتلر محقق امریکائی که درباره مسائل مربوط به حقوق دریاها در شوروی تخصص دارد ضمن مقاله‌ای در نشریه امریکائی «حقوق بین‌الملل» مطرح نموده است.^{۲۱}

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که صرف نظر از یک محدوده‌ده‌مایلی انحصاری ماهیگیری، تمامی دریای مازندران تحت حاکمیت دولت‌های ایران و شوروی بطور مشاع و مشترک قرار دارد و استفاده از عباراتی نظیر «مرز ایران و شوروی در دریای مازندران» معنای درستی ندارد؛ چرا که موضوع این حاکمیت افزاینده است.

21. BUTLER (W.E), «The Soviet Union and the Continental Shelf», Notes and comments, American Journal of International Law, 1969, Vol. 63, p. 106.

در مقاله فوق‌الذکر به منبع روسی زیر استناد شده است:

P.D.BARABOLJA et VOENNO - MORSKOI MEZHDU: Narendo - provoi, spravochnik, (Naval Int. Law Manual) 1966, p. 373.